



دیباچه‌ای دربارهٔ ایرانیان

The Persians. An Introduction, Maria Brosius, London and New York: Routledge, 2006, xiii + 217 pp., 48 figs., 6 maps, appendices, Index, ISBN 0-415-32090-9 (paperback edition).

دیباچه‌ای دربارهٔ ایرانیان، عنوان کتابی است از ماریا بروسیوس، استاد تاریخ باستان در دانشگاه نیوکاسل در تاریخ باستانی ایرانیان که به تازگی در مجموعهٔ «ملل جهان باستان» منتشر شده است.

این کتاب همانند آثار دیگر آن مجموعه و نیز مانند اثر پیشین نویسنده با عنوان *شاهنشاهی ایران/از کورش دوم تا اردشیر یکم*^۱، بیشتر برای نوآموزان تاریخ نوشته شده است. با این همه، نظر به تخصص نویسنده و بهره‌گیری او از جدیدترین یافته‌ها، می‌توان آن را گامی نو در پژوهش‌های تاریخی مربوط به ایران دانست. نویسنده در پیشگفتار می‌نویسد که کوشیده است بر پایهٔ همهٔ مدارک تاریخی (و نه صرفاً مدارک یونانی و رومی)، چشم اندازی هماهنگ از تاریخ ایران باستان به دست دهد و در این کار به ویژه به حق از یوزف ویزهفر با کتاب *ایران باستان*^۲ همچون یکی از پیشگامان این راه نام می‌برد (ص ۱۲). از آنجا که اثر ویزهفر فاقد تاریخ سیاسی است، این کتاب با همهٔ کوتاهی آن برای آن دوران می‌تواند دیباچه یا حتی مکمل آن شمرده شود.

ارزنده بودن بخش تاریخ سیاسی اثر بروسیوس در آن است که بر پایهٔ تازه‌ترین پژوهش‌ها، طرحی از گاهشماری و شرحی از تاریخ به واقع نزدیک از آن دوران به دست می‌دهد که این امر به ویژه برای دورهٔ اشکانی که گاهشماری پادشاهان آن متزلزل است و نیز تا حدی برای دوره‌های ساسانی و هخامنشی بسیار پراهمیت است. از این روست که در این گونه موارد همواره باید به جدیدترین پژوهش‌ها مراجعه کرد. گذشته از این، دورهٔ هخامنشی کتاب که موضوع تخصص نویسنده است، بهترین چکیدهٔ تاریخ هخامنشی است و در آن به همهٔ دانسته‌های ما از آن دوران پرداخته شده است. از آنجا که نویسنده تاکنون سهم بسزایی در افزایش دانش ما در زمینهٔ زنان ایران باستان داشته است^۳، این اثر با در دستن دستاوردهای او می‌تواند نقیصی را نیز که در این باره در اغلب تاریخ‌های عمومی ایران باستان دیده می‌شود، رفع نماید.

بدنهٔ اصلی *ایرانیان*، از یک دیباچه و سه بخش هخامنشیان، پارتیان و ساسانیان و همچنین یادداشت‌ها، کتابنامه و نمایه تشکیل شده است. نویسنده، آن گونه که در عنوان کتاب او نیز پیداست، در دیباچهٔ کتاب که شرح کوتاهی از سرگذشت ایرانیان پیش از هخامنشیان است، «Persian» را به جای «ایرانی» به کار برده است (ص ۱)؛ با این همه، به زودی می‌نویسد که «پارسیها» (Persians) و «مادیها» (Medes) دو گروه از ایرانیان (Iranian people) بودند که در حدود ۱۰۰۰ پ.م. به ایران زمین (= فلات ایران) کوچیدند و در کنار ایلامیان جای گرفتند (ص ۳) نویسنده در اینجا و سپس تر نیز، دامنهٔ جغرافیایی ایران را به درستی بسیار فراتر از مرزهای کنونی ایران می‌برد. دامنهٔ تاریخی آن، با جست و جوی ریشه‌های خانوادهٔ هخامنشی در

1- *The Persian Empire from Cyrus II to Artaxerxes I*, London, 2000.

2- Josef Wiesehofer, *Das antike Persien von 550 v. Chr. bis 650 n. Chr.*, Zurich, 1993.

3- مثلاً نک رسالهٔ دکتری نویسنده:

Women in Ancient Persia (559-331 BC), London, 1998.





سرزمین پارس آغاز می‌شود و با برافتادن ساسانیان به پایان می‌رسد. دربارهٔ دامنهٔ موضوعی کتاب باید گفت که مطالب هر سه بخش آن با وجود تفاوت‌های جزئی از الگوی واحدی پیروی می‌کنند و در هر سه به ترتیب از «بررسی تاریخی»، «شاه و دربار»، «سازمان شاهنشاهی»، «دین» و «هنر و معماری» گفتگو شده است. با تأسف باید گفت که در این کتاب بررسی جداگانه‌ای از زبان و ادبیات ایرانیان نشده است. چنین بحثی نه تنها خود به خود مهم است، بلکه می‌توانست نقص قابل چشم پوشی بررسی منابع برای هر دوره را تا حدی جبران کند. تاریخ سیاسی کتاب (با عنوان «بررسی تاریخی») البته توانسته است نقص نپرداختن به روابط خارجی را تا اندازه‌ای رفع نماید.

گذشته از این ایرادهای احتمالی، چشمگیرتر از همه، سستی در برخی بخشها در همه جانبه نگری و تعادل یا توازن در بهره مندی از منابع و شرح رخدادهاست، یعنی بر خلاف هدفی که در آغاز بیان شده است. مثلاً نویسنده در بخش هخامنشیان (ص 16-18) به تحلیل چگونگی و ماهیت به تخت نشینی داریوش یکم پرداخته و از میان فرضیات، تنها با پیروی از یکی، او را غاصب و بی‌ارتباط با خانوادهٔ کوروش دوم خوانده است. سپس نیز (ص 22-25) در شرح جنگها و شکستهای داریوش و خشایارشا از یونانیان، از نبرد «پان هلنی» سخن گفته و بر خلاف نظر خود برای حفظ توازن، تنها دیدگاه یونانی را بازگویی کرده و سخنی از فرضیات مخالف نیاورده است. در صفحه 11 تا 12 نیز آمده است: «او (کوروش دوم) در شهر آپیس با قساوت به کشتار مردم پرداخت و شهر را غارت نمود»، و سپس متن سالنامهٔ نبونید به عنوان سند مثال آورده شده است؛ ولی در آن سالنامه نیامده است که منظور از «او» که مردم را کشت کیست؟ (نبونید یا کوروش). در ترجمهٔ لئو آپنهایم پس از «او» در پراتنز «نبونید» آمده است.⁴

در بخشهای دیگر جز چند مورد امانند املاي Shar-e Qumis (ص 83) به جای Shahr-e Qumis و یا یاری خواستن شاه اشکانی ارمنستان از مادیهها در برابر اردشیر ساسانی (ص 140) که جای مناقشه دارد و همچنین نامیدن طبری به عنوان مورخ عرب! (ص 139)، ناپکدستی چشمگیر در نامهای جغرافیایی نقشه‌ها، به ویژه در نام خلیج فارس دیده می‌شود که در دو جا در بخش هخامنشیان (ص 15 و 55) به صورت «خلیج فارس» و در سه جا در بخش پارتیان (ص 58 و 92 و 124) به صورت «خلیج عربی- فارسی» ذکر شده است. نویسنده باز در نقشه‌های دورهٔ ساسانی آن را «خلیج عربی- فارسی» نامیده (ص 143)، ولی در متن همان بخش «خلیج فارس» نوشته است (ص 142 و 149). باید از نویسنده پرسید که وی عنوان «خلیج عربی- فارسی» را بر پایهٔ کدام منابع معتبر و بر اساس کدام دلایل موثق آورده است. دلیلی که در ذهن خواننده به هنگام مطالعهٔ کتاب ایجاد می‌شود آن است که در زمان هخامنشیان نام آن «خلیج فارس» بوده و در دورهٔ پارتیان به «خلیج عربی- فارسی» تغییر نام یافته است؛ سپس در زمان ساسانیان باز آن را «خلیج عربی- فارسی» می‌گفتند ولی «خلیج فارس» می‌نوشتند.

4- A.Leo Oppenheim, "Babylonian and Assyrian Historical Texts", in *Ancient Near Eastern Texts* (Princeton, 1955), p. 306.





با این همه، باید گفت که این جزییات به هیچ روی نمی‌تواند از ارزش علمی اثر دکتر بروسیوس که بی‌گمان کتاب او نخستین پژوهش معتبر درباره تاریخ عمومی ایران باستان در قرن بیست و یکم میلادی است بکاهد.^۵

مهرداد قدرت دیزجی

دانشگاه ارومیه

5- پیش از اثر بروسیوس، کتاب ارزنده دیگری نیز به نام *ایران باستان* به چاپ رسیده است:

Ph. Huyse, *La Perse antique*, Société d'édition Les Belles Lettres, Paris, 2005.

متأسفانه نویسنده آن تنها چکیده بسیار کوتاهی از تاریخ ایران آورده و در بخش اساسی آن به سیمای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایرانیان پرداخته است. کتاب *ایران باستان* با این که اثری پژوهشی نیست، ولی دارای فصلهای خواندنی و جالبی است که نویسنده خود در آن زمینه چندین نوشته پژوهشی دارد، مانند ادبیات، علوم، و سرگرمیها. این کتاب نیز به زودی معرفی و بررسی خواهد شد.

